

## عنوان مقاله:

هگل هایدگرومساله زمان

## محل انتشار:

فصلنامه پژوهش های فلسفی، دوره 8، شماره 14 (سال: 1393)

تعداد صفحات اصل مقاله: 21

## نویسندگان:

محمد مهدی اردبیلی - دانشجوی دکتری فلسفه دانشگاه تبریز نویسنده مسئول

علیرضا آزادی - استادیار گروه فلسفه دانشگاه تبریز

## خلاصه مقاله:

هرچند هگل نخستین کسی نبود که پای تاریخ را به فلسفه باز کرد اما بی تردید جایگاه تاریخ در متافیزیک تاپیش از هگل هیچگاه چنین والا نبوده است. هگل تاریخ را وارد جوهر و جهان کرد به این معنا که جوهر ذاتا پدیده ای تاریخی است و تاریخ همانا تجلی روح جهان است تقریباً صدسال پس از هگل فیلسوف دیگری سربرآورد که به تعبیری مفهوم تاریخ و رابطه آن با هستی را احیا کرد وی تلقی غیرتاریخی پدیدارشناسی استادش هوسرل صرفنظر از نوشته های واپسین هوسرل را به نوعی پدیدارشناسی تاریخمند بدل ساخت و برای دازاین یعنی یگانه راه مواجهه با حقیقت هستی ذاتی تاریخی قائل شد به اختلافات و اشتراکات هگل و هایدگر بر مفهوم تاریخ و تاریخ مندی تاکنون بسیار پرداخته شده است اما ریشه تمام این مباحث یعنی نگاه این دو متفکر به مفهوم زمان عمدتاً کمتر مورد توجه قرار گرفته است مقاله پیشرو ابتدا می کوشد تا تبیینی تقریبی از رویکرد هگل و هایدگر نسبت به مفهوم زمان بدست دهد سپس با اشاره به انتقادات هایدگر بر هگل به ویژه برداشت هگل از زمان در انتهای کتاب هستی و زمان بکوشد تا در حد توان هگل را از برخی از این انتقادات مبرا کند و حتی برخی از آنها را در خصوص خود فلسفه هایدگر وارد بداند

## کلمات کلیدی:

زمان ، دازاین ، هستی و زمان ، پدیدارشناسی روح

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/406633>

